چرخشی که پایان ندارد!

پردیس شکیبا-Patient_ Paradise@yahoo.com

آنچه باید درباره توپ فوتبال بدانید:

یک توپ گرد سفید، بیشتر از ۲۰ نفر که داخل یک زمین به دنبالش می دوند و میلیونها چشم که به آن چشم دوخته اند!! مسابقات جام جهانی نزدیک می شود و کم کم حال و هوای مردم فوتبالی می شود، خصوصاً که فوتبالیست های ایرانی هم با حضور در این جام جهانی حال و هوای خاص فوتبال و تب داغ آن را شدیدتر کرده اند.

راستی، جوان فوتبال دوست! می دانید این توپ های چهل تکه! و فوتبالی از کجا ظهور کردند؟!

توپ فوتبال و چرخش و گردش ایام:

بازی فوتبال از جمله بازی هایی است که در زمانهای مختلف تاریخ به شکل و شیوه های خاص خود در اکثر کشورها وجود داشته است. اما یکی از موضوعاتی که رابطه تنگاتنگ با این بازی دارد، به نزدیکی نام آن Foot و Ball همین توپ خودمان یا Ball آنهاست!

تاریخ زندگی انسان نشان می دهد که او ظاهراً از لگدزدن به توپ یا چیزی شبیه به آن لذت می برده است. سرخ پوستان آمریکای جنوبی نخستین مردمی بوده اند که از توپ های قابل ارتجاع استفاده کرده اند شواهد نشان می دهد نخستین توپ های مورد استفاده را انسان در اندازه ای در حدود سرخود می ساخته است و از جمجمه حیوان و انسان تا مثانه و مجاری ادراری گاو و خوک را برای این امر می گرفته است.

چینی ها در زمان سلسله Han در بین سالهای ۲۲۵ پیش از میلاد تا ۲۲۰ پس از میلاد یک نوع بازی به نام «Tsuchu» داشته اند که شبیه فوتبال امروزی بوده است و توپ های ساخته شده از پوست حیوانات را با پا به داخل فضاهایی همچون دروازه های بازی های امروزی می برده اند.

گفته می شود در پیش از قرون وسطی هم بازی وجود داشت که اهالی دو دهکده مجاور هم سعی می کردند با تعیین مسیر و راهی بین این دو دهکده، جمجمه ای را به عنوان توپ در نظر گیرند و در حالی که تمام اهالی بازیکنان تیم به حساب می آمدند از یک دهکده توپ مورد نظر را به دهکده دیگر انتقال می دادند و نفرات مقابل مانع ورود توپ! به محل استقرار خود می شدند و سعی می کردند آنها نیز با تلاش، همین کار را انجام داده توپ را به دهکده مقابل برسانند! (آشوب ها و درگیری های بعد از این بازی ها هم خدا می داند چگونه بوده است. شاید بدتر از آشوب اخیر در ورزشگاه برزیل!)

بازی دیگری که در آن دوران با اجسامی که آنها را توپ می نامیدند انجام می شد، باد کردن پوست حیوانی بود که او را برای زمستان شکار کرده بودند و پس از جدا کردن گوشت و پوست آن را می دوختند و باد می کردند و با استفاده از دست ها و پاها سعی می کردند آن را در هوا نگه دارند، که بعدها سطح این توپ را با چرم پوشاندند تا محکم تر و محفوظ تر شود.

توپ های متحول شده

در سال ۱۸۳۶، «charles Goodyear» با ثبت ترکیب شیمیایی لاستیک، تحولی جدید را به وجود آورد. پیش از این تاریخ اندازه و شکل توپ ها براساس شکل و اندازه جمجمه انسان بود و به همین خاطر توپ ها هر کدام ویژگی خاص خود را داشتند.

سال ۱۸۵۵ رسماً نخستین توپ فوتبال لاستیکی و تکه تکه طراحی شد و تکه ها را با چسب به هم متصل می کردند. (تکه های توپ ها مشابه تکه های توپ های بسکتبال امروزی بود) و جالب است بدانید که نخستین مرتبه وقتی بازی بسکتبال معرفی و انجام شد، از توپ فوتبال برای بازی استفاده کردند.

در سال ۱۸۶۲ اولین توپ فوتبال قابل بادشدن، پس از یک جدایی و مرگ تأسف بار ساخته شد!! ابداع کننده و تولیدکننده این توپ ها که همسر خود را در اثر ناراحتی ریه از دست داد. دریافت علت بیماری وی با دکردن پوست حیوانات بوده به همین دلیل تصمیم گرفت با استفاده از لاستیک، توپی را طراحی کند. اگرچه در ابتدا این توپ، ضخامت زیادی داشت و سنگین بود اما به مرور شکل و وزن مناسبی یافت. در آن زمان توپ ها رابه هر دو شکل گرد و بیضی می ساختند و می گفتند توپ گرد برای لگدزدن و توپ بیضی برای دریافت با دست مناسب تر است.

در سال ۱۸۶۳ صحبت در مورد قوانین فوتبال آغاز شد و سال ۱۸۷۲ بود که رسماً با برخی از قوانین موافقت شد، از جمله شکل و ابعاد توپ.

توپ های قانونی!

قرار شد توپ ها را به شکل گرد بسازند و محیط دایره آن را بین ۶۸/۶ سانتی متر تا ۷۱/۱ سانتی متر در نظر گرفتند. (قوانینی که همچنان همراه FIFA است!)

جست وجو در سایت های ورزشی (خصوصاً فوتبال) و تغییرات آن در طی زمان، نشان می دهد که تغییرات خاص و متفاوتی درمورد توپ ها به وجود نیامده است و آنچه در طی سالها تغییر کرده در حقیقت مواد سازنده توپ و شکل تکه های آن است (و نه ابعاد، وزن و شکل ظاهری کلی!)

توپ های فوتبال از سال ۱۹۰۰ به بعد

پس از این سال توپ ها را سخت تر و محکم تر ساختند تا بتواند فشار بیشتری را تحمل کند، به همین خاطر آن ها را با تیوب داخلی ساختند و سطح آن را با چرمی سنگین و قهوه ای رنگ می پوشاندند. توپ هایی که به این روش ساخته می شد جهش و شتاب بیشتری داشتند اما همچنان و به راحتی با پا جابه جا می شدند. رویه آنها را از ۱۸ تکه می ساختند که به هم متصل شده بود (توپ ۴۰ تکه آن روزها!) و قسمتی از آن را بازمی گذاشتند تا تیوپ را پس از بازشدن داخل لایه چرمی کنند و در نهایت شکاف ایجاد شده با بندی بسته می شد. اما مشکل عمده ای که وجود داشت این بود که گاهی اوقات توپ ها در حین بازی نیاز به بادکردن مجدد داشتند و زمانی هم که پرباد و آماده بودند باعث صدمه زدن به سر بازیکنان می شدند.

بدترین قسمت ماجرا هم مربوط به روزهای بارانی بود چون لایه سطحی توپ خاصیت جذب آب داشت و کم کم در حین بازی در زمین و شرایط بارانی پرآب و سنگین می شد و می توان تصور کرد که چه اتفاقاتی می افتاد...!

ماجرای سال ۱۹۳۷

از آنجایی که توپ های هر کشور برای بازیکنان آن کشور آشنا و کار با آن راحت به نظر می رسید. در جریان بازی بین آرژانتین و اروگوئه در سال ۱۹۳۷ بین دو تیم در ارتباط با انتخاب توپ بحث و اختلاف به وجود آمد و نهایتاً قرار شد نیمه اول بازی با توپ آرژانتینی ها و نیمه دوم با توپ اروگوئه ای ها انجام بشود اما بشنوید از نتیجه جالب آن: نیمه اول دو بر یک به نفع آرژانتین و نتیجه در پایان نیمه دوم چهار بردو به نفع اروگوئه!

پیشرفت های بعدی در تولید توپ

تازمان جنگ جهانی دوم مشکل عمده توپ ها جذب آب بود بعد از آن سعی شد سطح توپ ها را با رنگ و سایر ترکیبات پیوشانند تا مانع ورود آب به آنها شود. در ضمن در همین زمان بود که بند موجود بر سطح توپ حذف شد و از روزانه ای که روی آن تعبیه شده بود توپ ها را باد می کردند.

در سال ۱۹۵۱ برای نخستین بار در بازی ها از توپ سفید استفاده شد تا تماشاچیان راحت تر توپ را در زمین تعقیب کنند.

در سال ۱۹۵۰ هم توپ نارنجی را برای روزهای برفی در نظر گرفتند تا در زمین به خوبی دیده شود.

در طی سالها تمام این تغییرات انجام شد تا آنها نهایتاً به واسطه تجربیات به دست آمده «FIFA» توانستند رنگ، سایز و شکل توپ را مشخصاً تعیین کنند.

به امید اینکه در جام جهانی امسال این توپ گرد و سفید و پرماجرا به نفع ما هم بچرخد!

تیم ملی فوتبال ایران، امسال درجام جهانی حضور دارد و قرار است که با توپ های جدید درمسابقات بازی کند. آیا آنها درتمرینات هم از چنین توپ هایی استفاده می کنند؟

تنهایی جوانان، خودخواسته یا نشانه افسردگی؟

سرزمین هیچ کس

بهزاد نویدپور

برایش روز و شب فرقی نداشت. او گوشه ای از اتاق، دور از همه می نشست و فکر می کرد. پدر ومادرش نگرانش بودند و به اصرار و زور می خواستند او را به مهمانی و پارک و ... ببرند. مدام سعی می کردند با او حرف بزنند اما او حوصله نداشت. نمی دانست چرا تنهایی او را درک نمی کنند. هیچ کدام از این حرفها و رفتارها و مهمانی ها را نمی پسندید. همه چیز او را کلافه می کرد. ترجیح می داد گوشه ای بنشیند و برای خودش کتاب بخواند و به آهنگ گوش کند و گپهاء با دوستانش بیرون برود اما ... اینها برایش آرزو شده بود.

چون همه فکر می کردند او افسرده و سرخورده و تنها شده! تنها این بند آخری درست بود. او تنها بود!

خودخواسته یا تحمیلی؟

اگر دریارک یا خانه جوانی گوشه ای بنشیند و برای لحظاتی با خودش خلوت کند، خانواده او فکر می کنند که او هزار نوع مشکل دارد. کسی به این فکر نمی کند که دقایقی از زندگی هرکسی، بیشتر از این که با دیگران سپری بشود، متعلق به خود فرد است و او ترجیح می دهد تک و تنها دور از بقیه بگذراند. پدرها و مادرها گمان می کنند این شروع یک بحران اجتماعی است. پسر یا دختر گوشه گیر و احیاناً افسرده، امیدش را از دست داده و برای زندگی اش تلاش نمی کند. برای همین آرام آرام سعی می کنند تنهایی های جوانها را به هم بزنند؛ تنهایی که گاهی خودخواسته است و لذتبخش. میترا نوری، دانشجوی کامپیوتر است. او می گوید پدر ومادرش هر وقت که او در تنها اتاقش می ماند، گاه و بی گاه سراغش می آیند: «مدام سعی می کنند مرا به حرف وادارند و از چیزهای مختلف صحبت کنند. پشت سر هم شوخی می کنند تا من را بخنداند. درحالی که در شرایط طبیعی ما کمتر از این با هم حرف می زنیم. تا وقتی در اتاقم بمانم وضع همین طور است. بعضی وقت ها که دوست دارم دقایقی را برای خودم بگذرانم و فکر کنم، با رفتار آنها از بین می رود. تنها شب ها، وقت خواب است که می توان دور از همه سپری کرد.» جمال سوری همچنین گرفتاری دارد: «من در شهرستان دانشجو هستم. وقتی از آن هیاهو به خانه پناه می برم تا از شر سروصداها و حرفها نجات پیدا کنم، باید مرتب با پدر ومادرم حرف بزنم و خودم را سرحال نشان بدهم تا مبادا فکر کنند که مشکلی دارم و یا افسرده شده ام. تازه گاهی وضع بدتر هم می شود. آنها فکرمی کنند که من عاشق شده ام و سعی می کنند از زیر زبانم حرف بکشند. اما من فقط خسته ام و حوصله ندارم. همین!» تنهایی خودخواسته برای جوانها طبیعی است. بسیاری از آنها ترجیح می دهند دور از هیاهو، در خلوت خودشان به مسائل فکر کنند. سهیل با این که یک سال از ازدواجش می گذرد، هنوز نتوانسته تنهایی دلخواهش را پیدا کند: «من و همسرم، هر دو زمان هایی برای خودمان داریم. اما اگر کمی طولانی بشود، همه به فکر می افتند کمکمان کنند! خودشان هم نمی دانند چه کاری باید انجام بدهند و این بیشتر ما را کلافه می کند.»

روزهای معمولی

«این اتفاقی معمولی است» این حرف را رؤیا پیرهادی می گوید، روانشناسی که در مراکز مشاوره فعالیت می کند و به این موارد زیاد برخورده: «پدرومادرها گمان می کنند فرزندانشان مشکل دارند. گاهی حدسشان درست است. چون وقتی شخصی دچار گرفتاری می شود سعی می کند دور از بقیه مسأله اش را حل کند. اما گاهی هم این تنهایی ها خودخواسته است و برای او لذتبخش است. اینها از هم متفاوتند. آن که دچار مشکل و حتی افسردگی شده، اخلاق تندی پیدا می کند، کم غذا می شود، با دوستانش قطع ارتباط می کند و ترجیح می دهد بیشتر وقتش را در خواب بگذراند. اما آن که خودش مایل به تنهایی است، هیچکدام از این رفتارها را ندارد. تازه بخشی از وقتش را به خودش اختصاص می دهد.»

اما این مسأله ای است که تمام جوان های دنیا با آن سروکار دارند. شکاف نسل ها، در بیشتر اوقات باعث می شود که جوان ها برای جلوگیری از درگیری و ناراحتی، دور از والدینشان به سر ببرند. در سوئد ده درصد جوان ها به زندگی مجردی در سن هجده سالگی علاقه دارند. در آلمان، این رقم به دوازده درصد می رسد. اگرچه در کشورهای سنتی تمایل جوان ها کمتر است. آنها دوری از دیگران را توهینی به روابط اجتماعی می دانند و از آن گریزانند.

دور از اجتماع خشمگین

در دید اول افراد تنها، تلخ و سختگیر به نظر می رسند. آنها افرادی دور از جامعه محسوب می شوند که مدام به غم های زندگی فکر می کنند. اما برخلاف این تصور، آنها منظم تر از بقیه هستند و حتی در جمع های دوستانه، سرحال به نظر می رسند. برای بیشتر کارها برنامه ریزی دارند و خوب می دانند که چه اندازه می توانند به دیگران نزدیک شوند. اگرچه تحمل این لحظات گاهی سخت می شود. وقتی تعادل زندگی از بین برود، دیگر نمی توان فقط به خودت فکر کنی. به خصوص که نیازهای اجتماعی امکان قطع ارتباط با جامعه را نمی دهد و همه چیز را به هم وابسته می کند. حد و مرز و تعادل در زندگی تنها راهی است که می توان با تکیه بر آن، راحت زندگی کرد.

احترام به حریم یکدیگر

هیچ کس دور از بقیه ماندن را دوست ندارد. به خصوص جوانی که در آستانه اتفاقات بزرگی در زندگی اش است، هیچ گاه دلش نمی خواهد جدا از دیگران باشد اما او هم دوست دارد حریمش حفظ شود و همه به سکوت و تنهایی اش احترام بگذارند. به این ترتیب او راحت تر با دیگران ارتباط برقرار می کند می گویید نه؟ امتحان کنید!

تنهایی جوان ها از دید والدین موضوعی خطرناک است. اما برای نسل جوان، تنها دقایقی است که می توانند دور از مشکلات به زندگی شان فکر کنند.

چیزی برای امروز

ورزشکار گرجستانی، لاشا پاتراپا ماشینی چهار و نیم تنی را با گوش هایش می کشد تا نام خود را در کتاب رکوردهای گینس ثبت کند! کتاب گینس (یا همان «ترین ها») از پرفروش ترین کتاب های جهان به حساب می آید. گویی اصلی ترین دغدغه انسان امروز این است که بداند چه کسی، چه کار جدیدی کرده است و کدام انسان چه گل جدیدی به سر تمدن بشری زده است. رکوردهای گینس ابتدا با رکوردهای معقول شروع شدند. در اولین چاپ کتاب گینس، صفحات با رکوردهایی نظیر سریع ترین دونده جهان، پرگل ترین فوتبالیست تاریخ یا بزرگترین سیب زمینی کشت شده پر شده بود. بعد کم کم سر و کله رکوردهای عجیب تر هم پیدا شد. چه کسی صاحب بلندترین موی جهان است، چه کسی بیشتر از هر انسانی بیدار مانده است و چیزهایی نظیر آن. اما امروز کار به جایی رسیده که مردم برای اینکه نامشان به فهرست گینس اضافه شود دست به هر کار غیرمعقولی می زنند. آنها ممکن است ناخن های خود را دو متر بلند کنند تا نام خود را در این کتاب جاودانه سازند. اما اگر از آنها بپرسی بلند کردن ناخن با کشیدن ماشین با گوش چه ارمغان جدیدی برای بشر به حساب می آید، جوابی نخواهند داشت.

یک پیشنهاد

سنگی بر گوری

بسیاری جلال آل احمد را با کتابهای غربزدگی و سه تار و اوزان و... می شناسند. آثاری که بیشتر از هر چیزی مقاله های تند و تیزی علیه ساختار پوسیده جامعه بود و رفتارهای اجتماعی نابسند را هدف گرفته بود. نثر آل احمد، برای بسیاری از نویسندگان مطبوعات هم جذاب بود. چون در نهایت سادگی، فضای اطراف توصیف و تصویر می شد. این شکل نگارش در دوره ای که رمانتیک ها، از نوشته های پرسوز و گداز و جملات طولانی برای بیان و توصیف استفاده می کردند، مانند دری گرانبها بود. اگرچه کاریزمای جلال آل احمد هم خوانندگان را به خواندن آثارش ترغیب می کرد. بعد از مدت ها کتابی از او تجدید چاپ شده که لحن تند و شانزده آثار قبلی اش را ندارد. او این بار حدیث نفسی از خود را نوشته که در میان آن باز هم به سراغ جامعه ایرانی می رود و روابط اجتماعی را نقد می کند. «سنگی بر گوری» چهره جدیدی از آل احمد است. آن گونه که تا به حال ندیده ایم و نشنیده ایم. به هر حال هیچ چیز به اندازه شرح حالی که خود او از مشکلات و سختی هایش نوشته نمی تواند چهره او را به ما نشان دهد. سنگی بر گوری را نشر جامه دران با قیمت هزار و صد تومان به بازار عرضه کرده. فرصت را از دست ندهید.

یک نکته

تاریخ سازی برای ملت ها

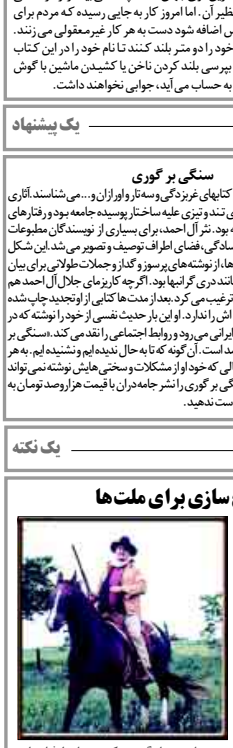

جان وین، بازیگری بود که در بسیاری از فیلم های وسترن، نقش اصلی داشت و الگویی برای چنین فیلم هایی محسوب می شد.

هر ملتی در اوج سختی ها، بیش از هر چیز به تاریخ و گذشته اش تکیه می کند. هویت باستانی او، عاملی می شود تا او بین گروهها و ملت های مختلف بتواند سرش را بالا بگیرد و از نقشی که در شکل گیری تمدن داشته، صحبت کند. هویت تاریخی، بخشی از ناخودآگاه و کهن الگوی همه انسانهاست. اگرچه این روزها، با بحث درباره هویت فردی و تأکید بر موقعیت انسان «تنها»، تلاش می شود تا بافت های سنتی از بین بروند و «شهروندانی مدرن» برای جامعه ای صنعتی آماده بشود، اما هنوز هم رشته نازک پیوند بین تک تک افراد یک ملت وجود دارد. در اروپا بسیاری از مردم به جشن های ملی و باستانی بیشتر از هر اتفاقی اهمیت می دهند. در انگلستان هنوز لباس های سنتی، احترام هم را برمی انگیزد. در فرانسه جوان ها با غرور از تصویب قانون اساسی و اعلام جمهوری در کشورشان صحبت می کنند. بسیاری از جامعه شناسان، فیلم وسترن را بخشی از تلاش آمریکایی ها برای ساخت فرهنگ می دانند. آنها کاراکتر خشن، دور از تمدن تنها و دلخسته و البته جذاب از افراد مختلف به نمایش می گذارند تا خودشان را از مهاجرین پرتغالی و انگلیسی و اسپانیایی جدا کنند و کاراکتری «آمریکایی» بیافرینند. اما افراد جدید آنها از دل مدرنیته آمده، آنها هنوز در شکل دهی به یک هویت جمعی ناکام مانده اند. با همه این تلاش های روزافزون در همه جای دنیا، هنوز هم آثار فرهنگی ملل، به راحتی خرید و فروش می شوند و درنمایشگاههای خصوصی آرام می گیرند. موزه های معتبر، آرامگاه ابدی بسیاری از اشیا و دست نوشته های باقی مانده ملل متمدن است. در حالی که نسل جوان آن کشورها، در تب و تاب آشنایی با آنها می سوزند.

آگهی شناسایی پیمانکار
پارس خودرو
از آنجائیکه این شرکت در نظر دارد تهیه، طبخ و سرو غذای روزانه کارکنان خود را طی ۳ شیفت در محل شرکت به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. بدین منظور از کلیه شرکتها و موسساتی که دارای تجربه، سوابق کافی و مفید می باشند دعوت به همکاری می گردد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آخرین آگهی در ساعات اداری با در دست داشتن معرفی نامه معتبر نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل رزومه، سابقه فعالیت به همراه یک فقره چک بانکی یا ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به آدرس: تهران، کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج، اداره خرید داخل مراجعه فرمایید.
لازم به ذکر می باشد شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار خواهد بود.
روابط عمومی
شرکت پارس خودرو